جلوه آفتاب در قُلزُم غدیر

نگاهی به فضائل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در زیارت غدیریه

علیرضا مکتب‌دار؛ طلبه حوزه علمیه و پژوهشگر دینی

• جایگاه زیارت در اسلام

زیارت در اسلام از جایگاهی برجسته برخوردار است و آنگاه که سخن از زیارت بزرگان و اولیای الهی به میان می‌آید، اهمیت زیارت دو چندان می‌شود؛ چراکه آنان معلمان بشریت و راهبران طریق هدایت و الگوهایی هستند که دیگران باید بدانان اقتدا نمایند. آنان مظاهر تجلی صفات خداوند سبحان‌اند و زیارت انسان‌هایی این چنین، مصداق تعظیم شعائر الهی است؛ تعظیمی که ره‌آورد مبارک آن تأسی و پیروی از این ذوات مقدس است.

مسلمانان در طول تاریخ حیات پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام که سرآمد اولیای الهی هستند، تلاش می‌کردند با آنان دیدار کرده و از فیض محضرشان کامیاب گردند. از نظرگاه شیعه، زیارت انسان‌های کاملی چون معصومان علیهم‌السلام از آنجا که نشانه پذیرش ولایت آنان و پایبندی به آرمان‌های بلند آنان است، دارای اهمیتی ویژه است؛ چراکه ولایت آنان به زمان حیات دنیوی آنان محدود نمی‌گردد و ثمره ولایت داشتن معصوم بر پیروان، حاکمیت آنان بر دل‌های ایشان چه در زمان حیات ظاهری آنان و چه پس از درگذشت آنان است. از دیدگاه شیعه، روح امام با اذن الهی به زائر خویش، علم و احاطه پیدا می‌کند و این تلقی، فرصت زیارت را برای شیعیان به دیداری عاشقانه و معنوی بدل نموده است.

• زیارت غدیریه

از جمله زیارت‌های فرازمندی که جایگاه رفیع مزور(زیارت‌شده) را به تصویر می‌کشد و جان تشنه کمالات انسان را از خنکای اوصاف و فضائل بلند الهی سیراب می‌سازد، زیارت غدیریه است. این زیارت نیز که همانند زیارت جامعه کبیره به زبان مبارک امام هادی علیه‌السلام انشاء شده است، دائرةالمعارف باورهای شیعی است. زمانی که معتصم خلیفه عباسی در سال ۲۴۳ هـ.ق، امام هادی علیه‌السلام را از مدینه به سامرا فرا خواند، در روز غدیر بود که امام به نجف رسید و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با این زیارت، زیارت کرد. این زیارت، به زیارت غدیریه مشهور است که مشتمل بر استدلال‌هایی از آیات قرآن، روایات پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسلمات تاریخی و بیان‌گر مرتبت و منزلت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و به‌خوبی آفتاب وجود امام علی علیه‌السلام را به تصویر می‌کشد. در این زیارت، بیش از هفتاد آیه قرآن به‌صورت کامل یا بخشی از آن به‌گونه صریح یا غیرمستقیم آمده است. همچنین احادیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره منزلت و مقام بی‌مانند علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام و وصایت و خلافت بلافصل آن‌حضرت آمده است. در این زیارت، به بخش‌هایی از تاریخ که شیعه و سنی آن را قبول دارند، اشاره شده و به غصب خلافت و ستم‌هایی که به ایشان روا داشته شده، پرداخته شده است.

این زیارت با سلام بر رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شده و با سلام بر انبیای الهی و فرشتگان مقرب و عباد صالح خداوند ادامه می‌یابد. در این زیارت امام هادی علیه‌السلام شش سلام به امیرالمومنین علیه‌السلام دارند که در پی هر سلام اوصاف و مناقب امام علی علیه‌السلام آمده است؛ منقبت‌هایی که همه آن در احادیث نبوی وجود دارد.

این نوشتار تنها به معرفی برخی از این اوصاف بلند اختصاص یافته است؛ چراکه:

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلزم اندر ظرف ناید

پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «لَوْ أَنَّ اَلرِّیَاضَ أَقْلامٌ وَالْبَحْرَ مِدَادٌ وَ اَلْجِنَّ حُسَّابٌ وَ اَلْإِنْسَ کُتَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی‌طَالِبٍ علیه‌السلام»؛ اگر همه درختان باغ‌ها قلم شوند و تمام دریاها مرکب و جوهر و جنها حساب‌گر و انسان‌ها نویسنده گردند، نمی‌توانند فضایل علی علیه‌السلام را شماره کنند.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که ترکنم سر انگشت و صفحه بشمارم

همچنین آن‌حضرت فرمود: «خداوند برای برادرم علی علیه‌السلام فضایلی قرار داده که از شماره بیرون است. هر کس یکی از فضایل او را بیان و بدان معترف باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را خواهد بخشید و کسی که فضیلتی را از او بنویسد تا وقتی که از آن نوشته اثری باقی است، فرشته‌ها برایش طلب آمرزش می‌کنند و آنکه به فضایل علی علیه‌السلام گوش بسپارد، خداوند گناهانی را که به‌وسیله گوش دادن مرتکب شده، می‌بخشد. هرکس به نوشته‌ای در فضیلت علی علیه‌السلام نگاه کند، گناهانی را که به‌وسیله چشم انجام داده است، مورد آمرزش قرار خواهد داد.

و اینک برخی از فضائل و صفات برجسته علی علیه‌السلام که در این زیارت شریف انعکاس یافته است:

امیرالمؤمنین، سیّدالوصیّین، وارث علم‌النّبیّین، ولیّ ربّ‌العالمین، امین‌الله فی ارضه، سفیرالله فی خلقه، الحجّة‌البالغه علی عباده، دین‌الله‌القویم، صراط مستقیم، نبأ عظیم، اوّل من آمن بالله، سیّدالمسلمین، یعسوب‌المؤمنین، امام‌المتقین، قائدالغرّ المحجّلین، اوّل من صدّق بما انزل‌الله علی نبیّه، عبدالله، المخصوص بمدحة‌الله، المخلص لطاعة‌الله، اوّل‌العابدین، ازهدالزّاهدین، الکاظم للغیظ، العافی عن‌النّاس، الصّابر فی‌البأسآء والضّرّآء و حین‌البأس، العادل فی‌الرّعیّه، العالم بحدود لله من جمیع‌البرّیّه، المخصوص بحکم‌التّنزیل و حکم‌التّاویل و نصّ‌الرّسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، حائز درجة‌الصّبر، فائز بعظیم‌الاجر، الحجّة‌البالغه، النّعمة‌السّابغه، البرهان‌المنیر، احسن‌الخلق عباده و اخلص‌النّاس زهاده. این فضایل، سندهای بسیاری در روایات عامّه و خاصه دارند.

و پایان این نوشتار را با این شعر زیبای صفی‌الدین حلی می‌آراییم که درباره فضائل امام علی علیه‌السلام سروده است:

جُمِعَتْ فی صِفاتِکَ الْأَضْدادُ فَلِهـذا عَزَّتْ لَکَ الْأَنْـدادُ
زاهِدٌ، حاکِمٌ، حَلیمٌ، شُجاعٌ ناسِکٌ، فاتِکٌ، فَقیرٌ، جَوادُ
شِیَمٌ ما جُمِعْنَ فی بَشَرٍ قَطّ ولا حازَ مِثْلَهُنَّ العِبادُ
خُلُقٌ یُخْجِلُ النَّسیمَ مِنَ‌الْعَطْفِ وَبَأْسٌ یَذوبُ مِنْهُ الجَمادُ
ظَهَرَتْ مِنْکَ لِلوَرَی مُعْجِزاتٌ فَأَقَرَّتْ بِفَضْلِکَ الحُسّادُ
إِنْ یُکَذِّب بِها عِداکَ فَقَدْ کَذَّ بَ مِن قَبْلُ قَوْمُ لُوطٍ وَعادُ
جَلَّ مَعْناکَ أَنْ یُحیطَ بِهِ الشِّعْرُ وَ تُحْصی صِفاتِهِ النُّقّادُ
إِنَّما اللهُ عَنْکُمْ أَذْهَبَ الرِّجْسَ فَرُدَّتْ بِغَیْظِها الأَحْقادُ
ذاکَ مَدْحُ الإِلَهِ فیکُمْ، فَإِنْ فُهْتُ بِمَدْحٍ، فَذاکَ قَوْلٌ مُعادُ

غدیر طرحی برای همه زمان‌ها

جمال‌الدین سلیمانی؛ طلبه حوزه علمیه

• انتخاب بهترین مکان و زمان برای ابلاغ پیام

مناسبت عید غدیر، فرصتی برای بازخوانی حادثه مهمی در تاریخ اسلام است. در سال دهم هجرت مسلمانانی که از سفر حج به سرزمین‌های خود بر می‌گشتند، به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در محلی به‌نام غدیرخم متوقف می‌شوند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بهترین مکان و زمان را برای ابلاغ یک پیام مهم برگزید. برای ابلاغ این پیام از سویی آخرین نقطه تلاقی مسلمانان انتخاب شد تا آنان کمترین فاصله را با سرزمین‌های خود داشته باشند و پیام توسط حاضرین به ساکنان همه مناطق اسلامی برسد و از سویی دیگر، پیام پس از انجام مناسک حج ابلاغ شد؛ زمانی که پس از توبه و پاک شدن و خشوع قلب، بیشترین آمادگی روحی برای شنیدن فرمان الهی وجود دارد. مسلمانان در راه بازگشت بودند که نخستین فرمان خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد:

﴿یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ‌تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ‌النَّاس﴾ (مائده/۶۷)؛ «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد.»

ابلاغ پیامی که با کل رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برابری می‌کند.

دقت در این آیه، اهمیت پیام را نشان می‌دهد؛ عدم ابلاغ آن با عدم ابلاغ رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برابری می‌کند. (المیزان، ج ۶، ص ۴۹)

در آیه دیگر ابلاغ این پیام، موجب یأس کفار و اکمال دین و اتمام نعمت معرفی شده است.

﴿الْیَوْمَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ دینِکُمْ فَلاتَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً﴾ (مائده/۳)؛ «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند. بنابراین، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.»

از نظر مفسران اهل سنت، مقصود از ﴿بلّغ ما أنزل ...﴾ تبلیغ معارف و احکام دین و یأس کافرین هم به‌معنی یأس از تبدیل دین است و پس از تمسک به شرایع الهی، وجهی برای ترس از کفار وجود ندارد. خداوند مؤمنان را قاهر و غالب بر کافران قرار داد و آنان مأیوس شدند. (مفاتیح‌الغیب، ج ۱۱، ص۲۸۶ – ج ۱۲، ص۳۹۹)

اما بررسی دقیق آیات نشان می‌دهد، منظور از تبلیغ در این آیه، ابلاغ پیامی است که با کل رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برابری می‌کند و از این رو موجب اکمال دین و اتمام نعمت است و یأس کافران را به‌همراه دارد و لذا مقصود آیه، ابلاغ مجموع احکام شرعی و یا یأس کفار، زمان ظهور اسلام یا فتح مکه یا روز نزول آیات براءة یا روز عرفه در حجة‌الوداع نیست؛ بلکه یأس کفار زمانی حاصل می‌شود که خداوند کسی را به‌عنوان جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نصب کند تا به حفظ و تدبیر دین بپردازد. پرواضح است که دین اسلام همه زمان‌ها و مکان‌ها را در بر می‌گیرد و بیان‌گر همه معارف اصلی و اصول اخلاقی و احکام فرعی است. در این‌صورت نمی‌توان فرض کرد، چنین دینی نیازمند حافظ و متولی نباشد و کسی برای تدبیر و اجرای آن تعیین نشود و لذا روایاتی که بیان‌گر نزول آیه تبلیغ در روز غدیرخم درباره ولایت امام علی علیه‌السلام است، تأیید می‌شود.

• غدیر، طرح و الگویی برای همه زمان‌ها و همه جوامع

اگر از دید دیگری به فلسفه و اهمیت غدیر نگاه بیندازیم، معلوم می‌شود واقعه غدیر، طرح و الگوی دین برای همیشه و همه جوامع است. توضیح مطلب آن است که به‌طور کلی روش پیامبران الهی در انجام مأموریت این نبود که در گوشه‌ای بنشینند و انسان‌ها تک‌تک به سراغشان بیایند و زیر نظر آنان تربیت شوند یا اینکه به آنها فلسفه و مسائل تعقلی را بیاموزند و باز این‌گونه نبود که به سراغ تک‌تک انسان‌ها بروند و به آنها اصول معارف و تعالیم خود را بیاموزند و آنها را یک‌یک تربیت کنند. روشی که انبیای الهی به آن مقید بودند، این بود که به‌جای تربیت تک‌تک انسان‌ها بستر و زمینه تربیت همه افراد و تربیت جمعی انسان‌ها را ایجاد کنند تا در فضای مناسب و محیط سالم انسان‌های زیادی تربیت شوند. اینکه یک رهبر الهی در تمام عمرش به تربیت یک‌یک انسان‌ها بپردازد، نتیجه آن می‌شود که در پایان، تعداد کمی از افراد، زیر دست او تربیت می‌شوند و برای بیشتر انسان‌ها فرصت مواجهه با او فراهم نمی‌شود؛ اما اگر رهبر الهی محیط سالم و مناسب و انسان‌ساز– کارخانه انسان‌سازی– ایجاد کند، در این محیط مناسب و به‌اقتضای طبیعی، انسان‌ها رشد و تربیت می‌شوند. اینجا نیازی به سراغ تک‌تک افراد رفتن نیست. پیامبران الهی مأمور بودند، جامعه انسان‌ساز و از درون آن جامعه، انسان بسازند؛ لذا پیامبران زحمت‌ها و مرارت‌های زیادی می‌کشیدند. ساختن یک انسان و یا چند انسان آن هم انسان‌های گزینش‌شده و مستعد، به‌مراتب آسان‌تر از آن است که یک جامعه با زیربنای توحید و با هدف انسان‌سازی بنا شود. اینجا جنگ‌ها و نزاع‌ها به‌وجود میآید و اصحاب زر و زور و تزویر بیکار نمی‌نشینند. آنان ساختار جامعه را به‌نفع خود می‌سازند و وقتی پیامبری در صدد ساختن جامعه توحیدی بر می‌آید، باید ساختار را به‌طور کلی تجدید بنا کند. اینجاست که درگیری‌ها شروع می‌شود. از سرگذشت‌های پیامبران در قرآن به‌خوبی برمی‌آید که همه آنان در پی ساختن شاکله و ساختار جدید می‌رفتند و در این راه مرارت‌های زیادی از جمله قتل و تبعید و آوارگی و توهین و استهزاء مواجه می‌شدند. هدف کاملاً مشخص بود؛ ساختن جامعه‌ای با زیربنای توحیدی برای ایجاد بستر مناسب تربیت انسان‌ها.

به این آیات توجه نمایید:

﴿وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فی سَبیلِ اللهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا﴾ (آل‌عمران/۴۶)؛ «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به‌همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند.»

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدیدَ فیهِ بَأْسٌ شَدیدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ﴾ (حدید/۲۶)؛ «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است.»

﴿وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّاللهِ وَ عَدُوَّکُمْ وَ آخَرینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللهُ یَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال/۶۰)؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.»

از اینجا ارتباط قطعی دین و سیاست مشخص می‌شود. هدف دین که همان ساختن انسان‌هاست، بدون ابزار سیاست و ورود در عرصه‌های اجتماعی به‌دست نمی‌آید و این ورود چون با میزان عدالت است، همه عدالت‌گریزان را به صف می‌کند تا نگذارند، محیط انسان‌سوز به محیط انسان‌ساز تبدیل شود.

• توحید، زیربنای جامعه مورد نظر انبیاء علیهم‌السلام

این نکته را هم به‌اختصار بیان کنیم که بنای جامعه مورد نظر پیامبران، بر توحید است؛ لذا آن را جامعه توحیدی می‌نامیم. در جامعه توحیدی تنها یک خدا پرستش می‌شود، همه انسان‌ها بندگان او هستند و کسی حق ندارد، در برابر غیر خداوند کرنش کند. او حاکم و ولی مطلق است و تنها فرمان او مطاع است و ربوبیت در تشریع و تکوین از آن اوست و لذا کسی حق تشریع برای سایر انسان‌ها را ندارد. اینها مبانی اصیل دینی‌اند که باید در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین به خداوند، مورد نظر قرار گیرند و لازم است، امتداد عملی در زندگی عینی داشته باشند. بر اساس این مبانی، ولایت و سرپرستی و حاکمیت در جامعه تنها برای کسی مشروع است که از سوی خداوند مأذون باشد و در غیر این صورت، نامشروع و مصداق طاغوت است و همچنین قانون‌گذاری و فراخواندن انسان‌ها به اطاعت باید با اذن الهی باشد؛ والاّ دعوت به شرک و طاغوت است و لذا در بینش توحیدی اسلام، حاکم باید مأذون از سوی خداوند باشد تا مشروعیت داشته باشد. این مسائل امتداد عملی توحید در زندگی اجتماعی است.

با این بینش اینک به غدیر نگاه می‌افکنیم:

مسلمانان پس از یک سفر معنوی و عبادی و با بیشترین آمادگی برای پذیرش فرمان رهسپار مناطق خود هستند. در میانه راه و در شرایط سخت سفر و مشقت توقف، ناگهان دستور توقف همگان صادر می‌شود. حتماً مسئله مهمی است. این مقدار تشریفات برای موضوعات نه‌چندان مهم اجرا نمی‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از اطمینان از آماده شدن جمعیت برای شنیدن یکی از مهمترین فرمان‌های الهی شروع به سخن می‌کند و موضوع جانشینی خود را رسماً اعلان می‌کند. اعلان جانشینی امام علی علیه‌السلام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال دهم هجری، تنها یک حادثه تاریخی نبود. بسیار مهم است که فلسفه نهفته در این حادثه را دریابیم. فلسفه واقعی غدیر ارائه الگوی کامل حکمرانی اسلامی است. الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر توحید است و رهبران الهی موظف به ایجاد ساختار توحیدی‌اند و در این راه مبارزه می‌کنند و از جمله لوازم توحید این است که تنها فرد مأذون از سوی خداوند می‌تواند سرپرستی جامعه را به‌دست بگیرد. غدیر با صدای رسا در گوش تاریخ اعلان می‌کند که تنها مدل مشروع حکمرانی، ولایت رهبر صالح و شایسته و مأذون و منصوب–به نصب عام یا خاص– از سوی خداوند است. اعلان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به این معناست که جامعه مؤمن نمی‌تواند به عقیده توحید ایمان بیاورد؛ اما در نظامات اجتماعی و سیاسی خود مستقل عمل نماید و به‌عبارتی، توحید تنها به یک مسئله اعتقادی دعوت نمی‌کند؛ بلکه به امتدادهای آن نیز از جمله بعد اجتماعی آن دعوت می‌کند. به بیانات دقیق مقام معظم رهبری در این باره توجه نمایید:

«ماجرای تعیین غدیر، ماجرای تعیین ضابطه و قاعده است. یک قاعده‌ای در اسلام درست شد؛ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ماه‌های آخر عمر، قاعده امامت و ولایت را وضع کرد.» ۱۳۹۵/۶/۳۰

«مسئله غدیر، مسئله ایجاد یک شاخص و معیار و میزان است. تا آخر دنیا مسلمانان می‌توانند این شاخص و معیار را جلوی خودشان قرار بدهند و تکلیف مسیر عمومی امت را معین کنند.» ۱۳۸۸/۰۹/۱۵

لذا می‌توان گفت، غدیر یک واقعه زنده در همه زمان‌هاست. مؤمنان باید جامعه خود را با معیار غدیر سنجش کنند. همین امر مبنای مشروعیت ولایت فقیه در دوره غیبت نیز است. مشروعیت ولایت فقیه، برگرفته از همان مدل ترسیم‌شده در غدیر است.

• تفاوت حکومت اسلامی با دموکراسی رایج غربی

با این توضیح می‌توانیم، این‌گونه جمع‌بندی کنیم که غدیر بیش از آنکه با موضوع امامت و نصب جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ارتباط داشته باشد، با توحید در ارتباط است و لازمه قطعی ولاینفک توحید را نمایش می‌دهد. اینک مناسب است، به مدل مرسوم دموکراسی که از مقبولات زمان محسوب می‌شود، نظری بیندازیم و مقایسه کوتاهی بین آن و مدل امامت داشته باشیم. دموکراسی مرکب از دو واژه «دموس، به‌معنای مردم» و «کراتوس، به‌معنای حکومت» است. در نتیجه به‌معنای حکومت مردم است. در رابطه با دموکراسی به این نکات توجه نمایید:

اول: درباره معنا و معیارهای دموکراسی اتفاق نظر وجود ندارد. از جمله دیوید هلد در کتاب مدل‌های دموکراسی که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده است، یازده مدل برای دموکراسی بیان می‌کند. (مانند دموکراسی کلاسیک، حمایتی و تکاملی، تکاملی رادیکال و ....) و همچنین هانتینگتون و راسل و ... اقسام دیگر یا موج‌های دموکراسی را مطرح کرده‌اند.

دوم: دموکراسی شایع به‌لحاظ تئوریک دارای اشکالات اساسی است. این اشکالات ناشی از بی‌توجهی به مبانی توحیدی و جهان‌بینی اسلامی است.

سوم: آنچه در فرهنگ دینی با عنوان جمهوریت و مردم‌سالاری عنوان می‌شود، اختلاف اساسی و جوهری با دموکراسی متداول دارد.

چهارم: فارغ از اشکال عدم توافق و اشکالات تئوریک دموکراسی، باید گفت: عنوان حکومت مردم از ابهام، رنج می‌برد. مثلاً اینکه چه کسانی را باید «مردم» قلمداد کرد؟ چه نوع مشارکتی برای مردم منظور است؟ حوزه حکومت را تا چه اندازه‌ای می‌توان گسترانده؟ برای کسانی که در زمره مشارکت‌کنندگان قرار ندارند، چه ساز و کاری در نظر گرفته شده است؟ دموکراسی‌ها در چه شرایطی حق دارند، علیه کسانی که نتیجه دموکراسی را نپذیرند، به‌زور متوسل شوند؟ ....

اینها و مسائل دیگر نشان می‌دهد، هنوز معنای دموکراسی تثبیت نشده است و نخواهد شد. (به کتاب آغازی بر یک پایان سیدمرتضی آوینی مراجعه نمایید.)

پنجم: با توجه به مطالب پیشین می‌توان گفت عنوان «جمهوری اسلامی» که بر نظام کنونی مستقر در ایران اطلاق می‌شود، برگرفته از الگوی غدیر است و نه نظام‌های دموکراسی متداول که غرب مبدع آن است. تفاوت این دو مدل در آن است که در مدل غربی دموکراسی، انحلال اسلامیت در جمهوریت– البته در جایی که عنوان اسلامیت هم معتبر باشد– اتفاق می‌افتد و در مدل غدیر، انحلال جمهوریت در اسلامیت رخ می‌دهد؛ لذا جمهوریت در مدل غدیر به‌معنای حاکمیت مطلق اراده مردم در تصمیم‌گیری اجتماعی نیست. مردم در چنین نظامی بر اساس تربیت و آگاهی‌بخشی که نسبت به آنان اعمال می‌شود، با طوع و رغبت حاکمیت ولایت الهی را می‌پذیرند. (در پذیرش قوانین و در پذیرش سرپرست جامعه) و البته مردم در چنین نظامی از کرامت و سیادت و ارزش‌های والای انسانی بهره‌مندند و فلسفه حکومت خدمت به آنان است. بر خلاف دموکراسی‌های متداول که با استضعاف فکری انسان‌ها توسط قدرتمندان و ثروتمندان، در واقع همان اقلیت، زمام جامعه را در دست دارند و مردم تقریباً هیچ‌کاره‌اند. در این نظام‌ها غیر از اینکه آیا اراده مردم منطبق بر مصلحت و خیرشان است یا خیر، هیچ‌گاه اراده واقعی مردم حاکمیت نمی‌یابد و همچنین حرکت جمعی بر اساس خواست‌ها اتفاق می‌افتد و نه مصلحت‌ها و بالتبع هرگز انسان در آن کرامت و ارزش واقعی خود را ندارد و بالعکس در طرح توحیدی غدیر، انسان در قله کرامت است و اراده انسان‌های تربیت‌یافته جهت جامعه را مشخص می‌کند و نه صاحبان تبلیغات و رسانه و پول، آن‌گونه که در غرب متداول است.

به‌طور خلاصه در مدل غدیر، ارتباط حکمرانی با آسمان(خداوند) و با زمین(بندگان خداوند) به‌درستی برقرار است. و در مدل دموکراسی از نوع غربی هر دو پیوند گسسته است.